



پیش شماره - شهریور ۱۳۹۸

سرمقاله

گروه چرخه در آبان ماه ۱۳۹۷ با کوشش چندی از دانشجویان پردیس فارابی دانشگاه تهران تاسیس شد تا بتواند خط مقدم پاسخگویی به نیاز های فرهنگی و اجتماعی دانشجویان ایرانی باشد. ماهنامه چرخه در واقع یک ماهنامه مستقل دانشجویی با محوریت فرهنگی اجتماعی است.

۱ - باید توجه کرد که چرخه تنها سعی دارد تا دلایل مبرم و خالی از هرگونه شبهه را برای وقایع مورد نظر نشر نماید و نتیجه گیری هدایت شده و تبلیغاتی ای نخواهد داشت .

۲ - در باب استقلال نشریه ، باید خاطر نشان کرد که چرخه برای ارائه مسائل خارج از جناح بندی ها و احزاب تاسیس شده و تا جایی که امکان داشته باشد ، تلاش خواهیم کرد که درگیر منجلاط تحریف و تبلیغ در قالب نقد و بررسی نشویم .

نه تنها امیدواریم، چه بسا به حتم می دانیم که اگر دقایقی از وقت گرانبهای خود را به خواندن پاره ای از نوشته های ما صرف کنید مطمئنا یکی از مخاطبین مرتب چرخه خواهید بود و چه افتخاری بیشتر برای ما که شما را مخاطب خود بخواهیم.

" با آرزوی موفقیت برای شما ، اصالت کار ما و احترام به شرافت حقیقت "

دانشگاه مادرکننده مجوز : دانشگاه تهران صاحب امتیاز : محمدامین عیبدی قمی مدیرمسئول و سردبیر: محمدامین عیبدی قمی طراح و صفحه آرا: محمدامین عیبدی قمی زمینه انتشار : فرهنگی - اجتماعی تاریخ انتشار: ۳۱ شهریور ۹۸ شماره: پیش شماره

ارتباط با نشریه

شماره تماس : ۰۲۱ ۹۱۹ ۹۸۸۰ ایمیل: Charkhe.ut@gmail.com

charkhe.ut

باز آمد، بوی ماه مدرسه...

میتونم با اطمینان خاطر کامل بگم که هیچکدوم از شما دوست ندارید بازم این شعر و آهنگ رو بشنوید و الآن از اینکه مشمول این شعر نمی شید خیلی خوشحالید و اینکه قراره بوی تازه و شاید حتی به نظرتون بسیار مطبوع تر دانشگاه به مشامتون بخوره از ذوق توی پوست خودتون نمی گنجید.

کلی فکر دارید برای شروع یک مرحله جدید از زندگیتون. بمب انرژی هستید و میشه این رو توی چهره تک تک شما دید.

اکثر شما دخترا و پسرای هجده ساله #دهه هشتادی ای هستید که دوازده سال درس خوندید و #دانش آموز بودید.

از شنیدن این ترکیب (دهه هشتادی) خسته نشید، زیاد استفاده می شه.

حس و حال دبیرستان و فضای نه چندان آزادش با همه سختی هاش و معاون انضباطی هایی که اسماشون تا چند سال آیندم یادتون نمیره و بازهم محدودیت ها.... امتحان نهایی های طاقت فرسایی که بعد امتحان به طراح سوالش فکر می کردید و قربون صدقه دست و پنجهش می رفتید برای اون سوالهای خفنش. ولی بازم دست از تلاش برنداشتید، چون اینجا بود. برای کنکور تلاشتون رو صدچندان کردید. ساعت های متوالی درس خوندن و تست زدن (تلاش برای رسوندن ساعت مطالعات به چهارده ساعت) و بالا و پایین کردن درصد های درس های سخت و آسون برای رسوندن رتبه تون به اون چیزی که میخوايد.

اعتراف کنید نصفتون یکسال اخیر رو توی کتابخونه زندگی کردید

شاید خسته شدنا، نا امیدي ها، تاثیر آدمای اطرافتون و اون روز طـلايـي "سيزده و چهارده تير ماه" چهار ساعت و تموم؟..... نه

#هنوز_تموم_نشده

و انتظار برای اینکه ببینید چی شد نتیجه اون تلاش؟ با اینکه می دونید همه چی دست شما نیست، تمام آیندتون رو توی کنکور می دیدید و قطعاً حق داشتید، با اون دوازده سال تلاش برای رسیدن تنها به یک هدف.

قصه دبیرستان تموم شد رفقا! وارد #عصر_جدیدی می شیم، سرتون رو بیارید بالا به اطرافتون نگاه بندازید شاید دقیقاً همون جایی نباشه که فکر می کردید باید باشید..... ولی هستيد. پس دوست دارم قدم اول و مهم تر رو باهم برداریم.

#دانشگاه

مهم نیست چه رشته ای میخونی، قرار نیست جامعه ی دانشگاهی تورو به عنوان "صرفاً یک دانشجو" بشناسه.

دانشگاه یه فرصته. فرصتی برای جنگیدن بلکه دقیقاً! صحنه ی مبارزه و نبرد فکر، عقیده، ایدئولوژی و سیاست (فعلاً به این گزینه نمیپردازیم).

شما به عنوان یک دانشجوی با فکر وارد فضای رقابتی دانشگاه می شید، نه فقط رقابت برای آوردن معدل الف یا کسب مقام علمی؛ که قطعاً مهمه اما فضای رقابتی دانشگاه مکانی برای پیدا کردن خط مشی خودتونه. برای جایگزینی عقایدی که خودتون بهشون پی میبرید نه اینکه اون رو به زور وارد مغزتون بکنند. و وظیفه ی شما همینها! اجازه ندید ایده ها و افکارتون رو بدزدند. نذارید هیچ شخص یا ارگانی در راه شما برای رسیدن به اهداف بزرگتون سد قرار بدن.

دانشگاه به دانشجوی مبارزِ حق طلب و عدالت جو نیاز داره.

شما حق دارید در هر فعالیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و علمی دانشجویی که میخواهید شرکت کنید و اگر شرایط برای شما مهیا نبود؛ خواستار ایجاد اون بشید.

نهادهای پاسخگو رو پیدا کنید و ازشون مطالبه کنید.

از رئیس دانشگاه گرفته تا شورای صنفی. (اون ها هم قطعاً جز به تعالی و رشد رسیدن شما چیزی رو نمیخوان، قطعاً!!) جامعه آرمانی دانشگاه از شما به عنوان یک دانشجوی مطالبه گر، جست و جوگر، دارای ذهن خلاق و نقاد توقع داره.

دانشگاه جای #بی_تفاوتها نیست

به کمبود ها و نواقص دقت کنید؛ غر نزنید منطقی باشید و تلاش کنید برای به سرانجام رسوندن خواسته هاتون. به امتیازات و خوبیها هم توجه کنید؛ کارهای خوب فرهنگی و..... دانشگاه رو دنبال کنید و هرجا احساس خوبی داشتید اون رو ابراز کنید. نذارید جسم دانشگاه توی یک روح افسرده بمیرد. نشاط دانشگاهی به شما بستگی داره از کس دیگه ای طلب نکنید! شاید حضور و غیاب توی کلاس های درسیتون براتون مهم نباشه. شاید بخواید کلاسارو بیچونید، ولی:

حضور شما توی دانشگاه به عنوان یک دانشجوی فعال لازمه گذاشتن اسم دانشجو روی شماست

این رو به خاطر بسپارید!

پس ما حضور شما رو در عرصه وسیع و پهناور دانشگاه برای مشخص کردن جایگاه خودتون در جامعه تبریک می گیم و امیدواریم در این مسیر در کنار همدیگه امید رو به محیط دانشگاه تزریق کنیم.

قانون اساسی به شکل امروزی مفهومی است که پس از استقلال ایالات متحده شکل گرفت ، اما اگر اصل معنای آن را بررسی کنیم در می یابیم که همواره از همان ابتدای شکل گیری جامعه های بزرگ بشری ، هر اجتماع به نوبه خود و با توجه به شرایط خاص خود از اصولی مخصوص پیروی می کرد که به شدت به قانون اساسی کنونی شباهت دارد .

در واقع این ارزشها و خط قرمز های جامعه است که با آرمان ها و اهداف تلفیق می شود و اصول، اساس و شالوده ی یک جامعه سیاسی را تشکیل می دهد. شاید بهتر باشد حتی آن را ”قانون اساسی“ ننماییم زیرا آن را نمی توان قانون و در بند و متن اسیر کرد ، شاید ”پی نامه “ واژه بهتری باشد .

”قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران“ در واقع اولین بار در زمستان ۱۳۵۷ در ”نوفل لو شاتو“ فرانسه مطرح شد و پیش نویس اولیه تهیه شد . در بهمن ماه ۵۷ ”دولت موقت“ به ریاست ”مهدی بازرگان“ موظف شد تا با تشکیل ”مجلس موسسان“ به انتخاب مردمی تلاش در نگارش قانون اساسی کنند .

اما عملا این مسئله به مرداد ۵۸ و تاسیس ”مجلس خبرگان قانون اساسی“ موکول شد ، این مجلس در ۱۲ مرداد تشکیلی در ۲۸ مرداد کار تدوین قانون اساسی را شروع و در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ به پایان رسانید .

خبر تدوین دو روز بعد در ۲۶ آبان در ”روزنامه کیهان“ به انتشار رسید .

همه پرسی قانون اساسی در یازدهم و دوازدهم همان سال برگزار شد و با اکثریت قاطع (۹۸/۲) درصد رای موافق که ۱۵,۶۸۰,۳۲۹ از آرا مردمی را شامل می شد به تأیید ملت ایران رسید ، و به تبعه آن حکومت ”جمهوری اسلامی ایران“ به قدرت رسید .

قانون اساسی ایران در واقع امتدادی بر قانون اساسی مشروطه سلطنتی است ، اما تغییرات و مواد جدید بگونه ای هستند که این دو را نمی توان یک قانون اساسی دانست .

اکثر صاحب نظران و متخصصین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در ضمره ی قوانین سخت و غیر قابل انعطاف می دانند .

لازمه ی هر قانونی محکم بودن و صراحت و عدم لغزش است ، لکن در مورد قوانین اساسی می بایست توامان همراه با اقتدار قانونی راه تغییر و تقبل برای نسل های بعد را نیز دارا باشد .

۱۵,۶۸۰,۳۲۹ آری

۷۸,۵۱۶ نه

۱۱۱ باطله

۲۰,۸۵۷,۳۹۱ واجدین شرایط

دانشگاه علیه دانشجو

آزمین شادان

مدارس
عید انفعالی

دانشگاه

قشر جامعه. امروز قطب بندی اقتصادی و تضاد طبقاتی جامعه به عرصه آموزش هم کشیده شده چرا که منطق حاکم بر کل بر اجزا هم حاکم است به طوری که امروز ۸۰ درصد دانشجویان به اشکال گوناگون برای تحصیل پول پرداخت می کنند. اما فاجعه آموزش به اینجا ختم نمی شود، در دانشگاه های دولتی هم پولی سازی با شتاب تصاعدی در جریان است.

● اما پولی سازی چیست؟

پولی سازی یعنی تحمیل به مرور زمان و هر چه بیشتر هزینه های تحصیل بر دانشجو و عقب نشینی گام به گام و آهسته دولت از تأمین هزینه با کاهش بودجه دانشگاه ها.

هر سال دانشگاه ها بخشهای بیشتری را به واحدهای خصوصی برون سپاری می کنند. مثال بارز آن برون سپاری انتشاراتی ها، ایجاد رستوران آزاد در کنار سلف دانشگاه، بوفه های گوناگون و....

رستوران آزاد با شعار تنوع راه اندازی می شود اما اگر قرار است تنوع و کثرت باشد پس چرا این در سلف خود دانشگاه محقق نشود؟ وقتی هم به کیفیت، قیمت و بهداشت غذای بوفه یا رستوران اعتراض کنید این گونه پاسخ می شنوید: این مکان خصوصی است. پس ناظرین بر بوفه کجایند؟

در برخی دانشگاه ها می بینیم که حتی وسایل حمل و نقل هم به بخش خصوصی واگذار شده واز دانشجویان بابت سرویس حمل و نقل هزینه اخذ می شود.

و در برخی هم مسوولین دانشگاه امکانات و محیط ورزش دانشجویان مثل استخر، زمین چمن و.... را به صورت ساعتی اجاره می دهند و استفاده رایگان دانشجو به یک یا دو روز در هفته محدود می شود.

از افزایش نرخ سال به سال غذای دانشگاه و خوابگاه هم که با امکانات آن رابطه معکوس دارد فرصت نیست صحبت کنم. آنچه مسلم است بسته رفاهی دانشجویان هنوز باقیست ولی هر سال دارد بیشتر آب می رود. امروز دانشگاه

برخی هم طرح این موارد را برای نو ورودی ها پیش از موقع می دانند اما باید بدانید که واقعیت خشن است و با کسی شوخی نداردو اگر امروز آن را مهار نکنیم روزی گلوی شما را خواهد فشرد که کار از کار گذشته و دیگر نمی شود چاره ای برایش اندیشید. در ادامه تلاش دارم به تحلیل جنبه ای چند از این اوضاع آشفته دانشگاه و ارایه راه حلی برای خروج از این بن بست بپردازم.

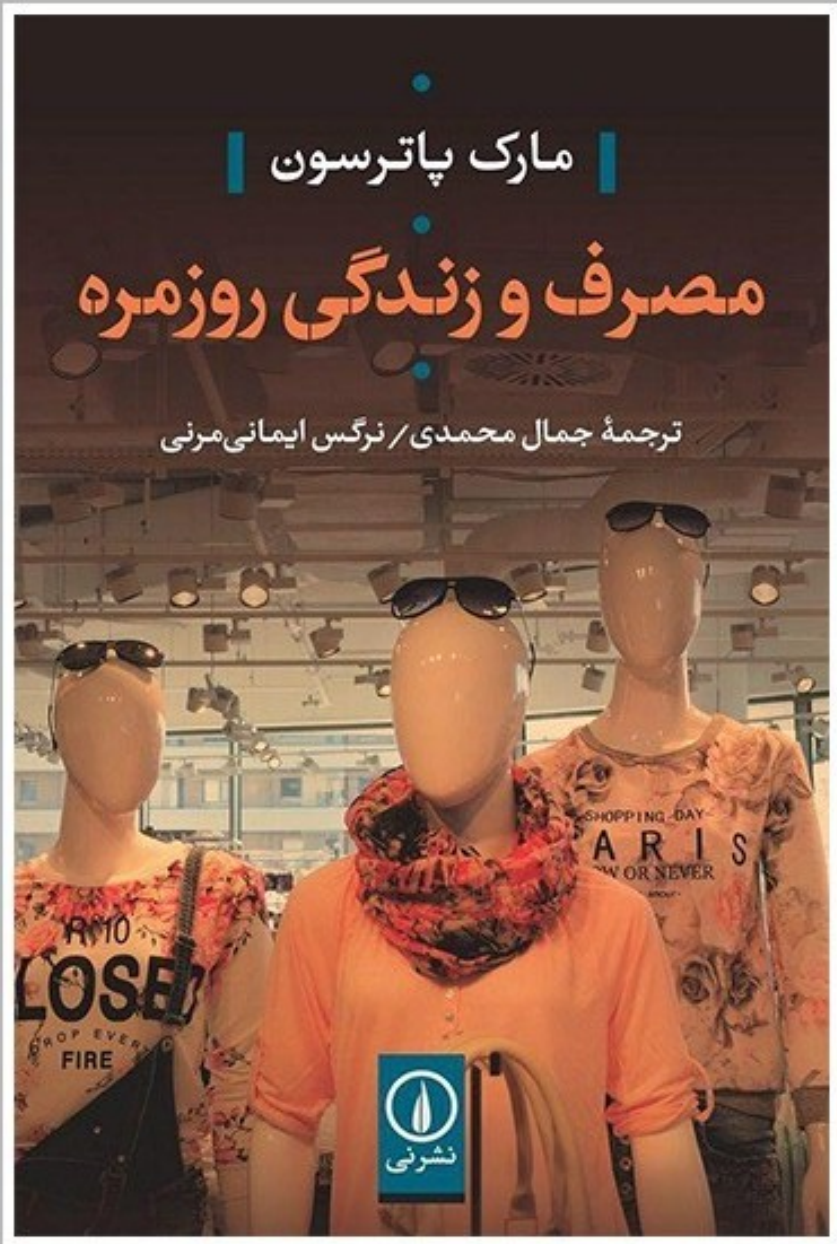
● غول سرمایه بر دانشگاه حکم می راند

فرآیند پولی سازی و خصوصی سازی آموزش که از دهه دوم انقلاب شروع شد در چند سال اخیر شتاب تصاعدی پیدا کرده است. امروز دانش، آموخته نمی شود بلکه فروخته می شود و آموزش کالایی است که مناسبات تولید و توزیع سرمایه داری بر آن حاکم است. در این بازار هرکس پول بیشتری داشته باشد اصطلاحا آش بیشتری می خورد که البته دیگر زیاد هم دهن سوز نیست. بنابر گزارش بانک جهانی ایران در زمینه پولی سازی گوی سبقت را از کشورهای غربی ربوده است.

از بازار داغ کنکور گرفته که در آن داوطلبان عمدتاً یا باید درمدارس غیرانتفاعی تحصیل کنندیا حتما در کلاس ها و موسسات کنکوری ثبت نام کنندتا به مارکتینگ دانشگاه راه یابند،

تا خود تحصیل در دانشگاه که سال به سال هزینه های بیشتری را از دوش خود برداشته و بر دانشجو تحمیل می کند ما شاهد سازو کارهایی هستیم که به طور پنهان و آهسته دست طبقات فرودست و حتی اکنون دیگر می توانیم بگوییم طبقات متوسط را از امر تحصیل هر روز کوتاه و کوتاه تر می کند. بر اساس پژوهشی که در سال نودوشش در سه دانشگاه مادر در تهران صورت گرفت بیش از ۶۰ درصد دانشجویان این دانشگاه ها از سه دهک بالای جامعه بودند یعنی ثروتمندترین





کتاب مصرف و زندگی روزمره، اثری نوشته مارک پاترسون است که اولین بار در سال ۱۹۹۷ منتشر شد

این کتاب ارزشمند با تأکید بر زندگی روزمره، شرحی جذاب و خردمندانه را از تئوری‌ها و ایده‌هایی کلیدی ارائه می‌کند که بر حوزه‌ی مصرف و فرهنگ مصرف‌کننده حکمرانی می‌کنند

نمونه‌های جذاب مطرح شده در این کتاب، به توضیح انواع و اقسام مصرف‌ی پردازند، تاریخ این حوزه را شرح می‌دهند و چگونگی کارایی طیفی گسترده از نگرش‌های نظری مربوط به این حوزه را آشکار می‌سازند. کتاب مصرف و زندگی روزمره که توسط معلمی باتجربه نوشته شده، با پرداخت‌هایی جالب توجه به جامعه‌شناسی، جغرافیا، پژوهش‌های فرهنگی و مردم‌شناسی، بستری جامع را برای درکی بهتر از حوزه‌ی مصرف فراهم می‌کند

نویسنده: مارک پاترسون
مترجمان: جمال محمدی،
نرگس ایمانی مرنی
ناشر:



قیمت نسخه فیزیکی
(اکنون): ۴۲,۰۰۰ تومان
قیمت نسخه دیجیتالی
(فیدیبو): ۲۵,۲۰۰ تومان

غافل شد که سعی در حفظ شرایط موجود می‌کند.

امروز نقد هژمونی به معنی نقد شرایطی است که نیازمند هژمونی است.

هدفم از گفتن این‌ها این نبود که بخواهم به شما ثابت کنم که واقعیتی وجود دارد که برخلاف تصور شماست و باید آن را بپذیرید بلکه می‌خواهم بگویم که واقعیتی وجود دارد که برخلاف تصور شماست ولی نباید آن را بپذیرید و زیر بارش بروید، مغلوبش نشوید بلکه بر آن غلبه کنید و تا فرصت هست آن را مطابق تصور خود تغییر دهید و این جز با اتحاد جامعه دانشجویی و دمیدن روح مطالبه‌گری و انتقاد به این جامعه ممکن نیست.

کسانی با اعمال و سیاست‌های خود دانشگاه را از ماهیت اصلی‌اش جدا کرده و اینگونه آن را نفی کردند ولی الان موقع آن است که دانشجویان یک صدا در مقابل این سیاست‌ها بایستند و آن را نفی کنند، در این فرآیند نفی نفی است که دانشگاه به ماهیتش و حقیقتش باز می‌گردد.

مهدی توکلی عزاداری حسینی

برپایی مجالس سیدالشهدا که جان خویش را راه خدا کرده است از شعائر الهی می‌باشد زیرا که انسان را به یاد خدا و به همنوایی اجتماعی با جنبش آن شهیدان می‌اندازد منطق قرآن اینست که خداوند نمی‌خواهد هیچ ستمی در دنیا پنهان بماند ازین رو خداوند به بندگان خود اجازه می‌دهد با افشاگری ستمکار و رسوا کند. خداوند نمی‌خواهد آه هیچ مظلومی در سینه‌اش خفه شود بلکه می‌خواهد همه برای حمایت از مظلومان و خشکاندن ریشه ظلم و ستم به پا خیزند ازین رو برپایی عزاداری امام حسین ضروری می‌باشد اما چه عزاداری؟ عزاداری باید به گونه‌ای باشد که مارا از نظر اخلاقی اجتماعی فرهنگی همواره یک قدم به سمت جلو ببرد شور حسینی زمانی مارا می‌گیرد که شعور حسینی پیدا کنیم اگر عزاداری آنگونه که باید برگزار شود کم‌کم باعث ایجاد یک تفکری که همیشه علت را می‌خواهد و دنبال چرای ماجراست شکل گیرد و به دنبال جواب رود به عنوان مثال چرا قیام کرد؟ یا آیا اینقدر نماز واجب بود که وسط میدان جنگ آنرا گرامی داشت یا مگر نمی‌شد تقییه کند؟! که از تک‌تک لحظات عاشورا و نهضت حسینی درسی است برای کنون ما، هر ملتی برای موفقیت و بقای خویش نیازمند عامل وحدت و اجتماع دارد که اگر دنباله روی نهضت عاشورا باشیم پی می‌بریم که امام حسین علیه السلام بزرگترین عامل می‌باشد

هژمونی هاله ایست که خودش را به دور حقیقت می‌پوشاند تا حقیقت را پنهان و خودش را به جای آن آشکار کند.

هژمونی در صدد است تا دانشجویان را از درک شرایط مادی و واقعی جدا کرده و با آگاهی کاذبی که به آنها می‌دهد به دنیایی موهوم بکشاند. اغلب تشکل‌های دانشجویی از لحظه تشکیل ذات خودشان را با پیوند با جناح‌های سیاسی تعریف کرده‌اند و دانشجویان را وارد کردن به جنجال‌های بین‌گروهی از زیست طبقاتی و اجتماعی خود جدا می‌کنند. دانشجویان باید مواظب باشند که با ورود به این تشکل‌ها کلیت جامعه را در تحلیل خود فراموش نکنند و به قسمتی از فعالیت‌های ایدیولوژیک که به تجویز التیام‌های افیونی می‌انجامد در نغلند.

● ماهیت کرگدن وار

ماهیت کرگدن وار نوعی بیماری واگیر بود که مدت‌ها جامعه‌ی دانشجویی را فلج کرده بود. بیماری اینگونه بود که افرادی که به آن مبتلا می‌شدند تغییر ماهیت می‌دادند و به کرگدن تبدیل می‌شدند، در واقع به اطرافشان بی‌تفاوت می‌شدند و هیچ چیز نمیتوانست به ماهیت سفت آنها تلنگری بزند، گویا چون کرگدن پوستی ضخیم داشتند که باعث می‌شد ضربات پی‌درپی واقعیت اطرافشان را احساس نکنند. تاثیر این بیماری بر پیکره جنبش دانشجویی به حدی بود که دیگر کسی امید به سرپاشدن آن نداشت.

اما امروز خوشبختانه این بیماری مهلک، این طاعون جامعه دانشجویی در اثر آگاهی قشر دانشجویی به این حقیقت که نمیشود به جامعه بی‌تفاوت بود و اساسا زیست اجتماعی است که زیست فردی را رغم می‌زند در حال ریشه‌کن شدن است و این خود امیدها را در دل زنده کرده است.

امروزشاهدجنبش‌جهانی‌دانشجویی‌ازمکزیک (۱۹۹۴) و سیاتل (۱۹۹۹) گرفته تا جنبش عظیم فرانسه و یونان (۲۰۰۶) برسیاست‌های نیولیبرال در حوزه آموزش که به پولی‌سازی آن منتهی می‌شود هستیم. حرکت‌های دانشجویی ایران هم در این مبارزه جهانی سهیم است. در چندسال اخیر دانشجویانی که مدام تعدادشان در حال افزایش است در مقابل سیاست‌های نیولیبرال دولت در دانشگاه ایستاده و در برخی موارد هم موفق به توقف این اقدامات شده‌اند اما برای توقف کامل این روند ما نیازمند اتحاد وسیع دانشجویان با طبقات فرودست جامعه و برآوردن فریاد آموزش رایگان حق همگان است نه امتیاز گروه خاص (اصل ۳۰ قانون اساسی) هستیم. در این میان از هژمونی هم نباید

بازار مکاره ایست که از صندلی تا امکانات و محیط آن در حال حراج است و در این حراج سر تنها کسی که بی‌کلاه می‌ماند دانشجویست. پدیده جالب دیگر در دانشگاه پدیده ظرفیت مازاد و پذیرش دانشجویان نوبت دوم است. هر ساله دانشگاه‌ها تعدادی ظرفیت را به این دانشجویان اختصاص می‌دهند و در قبال آن هزینه‌های هنگفتی به جیب می‌زنند. اما باید پرسید اگر ظرفیت مازادی هست چرا نباید رایگان باشد و حتما باید فروخته شود؟! نخیر دوستان اساسا ظرفیت مازادی در کار نیست بلکه ما نظارگر فروش ظرفیت رایگان به اسم مازاد هستیم. صندلی که در گذشته دانشجویان را با تست بدست می‌آورد امروز به حراج گذاشته شده و هرکس توان مالی داشته باشد صندلی دانشگاه را می‌خرد. وضعیت دانشجویان خارجی غیربورسیه هم که تعداد زیادی از آنها را دانشجویان افغان تشکیل می‌دهند اسف‌بارتر از همیشه است. دانشجویانی که در همین سیستم آموزشی درس خوانده‌اند و حالا به دانشگاه رسیده‌اند به دلیل عدم توانایی در پرداخت شهریه‌های سنگین به دلار مجبور به انصراف از تحصیل شده‌اند (شهریه‌ای که دانشجویان خارجی می‌پردازند انگیزه قدرتمندی برای جذب آنها به دانشگاه می‌دهد). اما فاجعه به اینجا هم ختم نمی‌شود.

امروز دانشجویان برای پرداخت هزینه‌های روبه‌افزایش تحصیل مجبور است بین یک شیفت کار و انجام تکالیف درسی یکی را انتخاب کند.

در اینجا پای بازار (البته بازار خارج از دانشگاه) به وسط می‌آید. سیل دانشجویان نیازمند، این نیروی نیمه‌ماهر که هزینه مهارتش را خودش می‌پردازد وارد بازار کار می‌شود و مجبور است که مهارت و نیروی کارش را به نازل‌ترین قیمت بفروشد. بازار هم فرصت را مغتنم شمرده و با کمترین هزینه بیشترین استفاده را از این گروه می‌برد. با این فزونی تقاضا بر عرضه بازار دستمزدها را کاهش یا از افزایش آن جلوگیری می‌کند و بدین ترتیب استثمار طبقاتی با آهنگی تندتر ادامه یافته و سلطه طبقاتی بازتولید می‌شود. غول سرمایه در این روند از بردگانی استفاد می‌کند که حتی هزینه مهارتی که در آینده قرار است با آن برای سرمایه‌ارزش‌افزایی تولید کند خودشان پرداخت کرده‌اند و این کار جز با سلطه‌ی این غول بر دانشگاه میسر نیست.

● هژمونی و دانشگاه

یکی از عواملی که سبب بقای شرایط موجود در دانشگاه می‌شود هژمونی است.



نوید قربانی حق دانشجو

حَقِّتو بگیر! حق گرفتَنیه نه دادنی! برای رسیدن به حَقِّت بجنگ شاید این جمله‌ها رو از بچگی زیاد شنیده باشید، چه از زبون پدر و مادر، چه معلم، چه دوست، چه آشنا، چه... آیا تا حالا به صورت جدی به این جمله‌ها فکر کردید؟ اصلاً تا حالا بهشون عمل کردید؟

هدفم جواب دادن به دو تا سؤال بالایی نیست. بحثم خیلی ریشه‌ای‌تر از این حرفاست... آیا اصلاً تا به الآن به این فکر کردید که چه چیزی رو باید بگیرید؟ قطعاً الآن پیش خودتون بهم خندیدید و گفتید خوب معلومه دیگه حق رو باید بگیرید. بلی! درسته حق رو باید بگیرید. ولی چه حقی؟ شاید با مثال جلو برم بهتر باشه:

فرض کنید قبل هر مسابقه فوتبال سرمربی تیم به بازیکنش فقط بگه فوتبال بازی کن! فقط و فقط همین! چه قدر مسخرست! بدون این که بهش بگه تاکتیک تیم چیه، تو چه پستی باش، چه کارایی باید انجام پدی نسبت به پستی که داری و... دقیقاً گفتن اون جمله‌هایی که اوّل نوشتم هم مثل همینه:

دانشگاه ایران علی نظری

شواهد بجا مانده تا به امروز گواه بر آن است که مراکز فرهنگی و علمی مشابه دانشگاه های امروزی در دوران باستان در تمدن های **مشرق زمین** به وفور چنین مراکزی یافت میشده و در غرب نیز در یونان با وجود مراکز فلسفی چون آکادمی افلاطون این مسئله مورد توجه قرار می گرفت. در **ایران** نیز با توجه به پیشرفت فرهنگی در دوران باستان مراکز علمی چون **گندی شاپور** و فرهنگستان نصیبین وجود داشته اند. فرهنگستان نصیبین شامل اساتیدی میشد که از آتن رانده شده بودند و به مطالعه علومی چون ریاضی و نجوم میپرداختند. مرکز دیگر که نام آن جندی شاپور است نیز مطالعه علوم و ترجمه کتاب های زیادی از سانسکریت و یونانی به **فارسی پهلوی** در آن صورت می گرفت و بعدتر میتوان از ترجمه پهلوی این کتاب ها به عربی بعنوان شاهی بر اهمیت این مرکز در ورود علوم به تمدن اسلامی دانست

مبدا تاسیس دانشگاه را می توان در دوران ساسانی دانست که با استقرار اسرای رومی در شهر و سپس ورود دانشمندان از سایر کشورها به آن رونق فراوانی در جهان کهن در عرصه

حالا شاید پیش خودتون بپرسید خوب اگه فوتبال بازی کردن معادل حق گرفته پست بازیکن و تاکتیک تیم معادل چی میشه؟

حالا رسیدیم به سؤال اصلی: آیا از حقوقی که داری مطلعی؟ شاید از اول عمرتون مدام تو رسانه‌ها شنیده باشید که شهروند باید مطالبه گر باشه. دانشجو باید مطالبه گر باشه و... اما آیا تا وقتی دقیقاً ندونیم که چیزی قراره طلب بشه می‌تونیم مطالبه گر باشیم؟ درست مثل اینکه که تو یک اتاق تاریک رهامون کنن و بگن خوب حالا وسایل داخل اتاق رو پیدا کن. تا وقتی لامپ رو روشن نکنیم(حتماً باید توسط خودمون روشن بشه نه کس دیگه) چه جوری می‌تونیم وسایل رو پیدا کنیم؟ چند نفرتون تا حالا قانون اساسی رو خونده؟ تا حالا شده بشینی با حوصله و دقت بخونیش؟ براش وقت بذاری. تا حالا فصلی تحت عنوان حقوق ملت تو قانون اساسی به گوشت خورده؟ می‌دونستی این فصل دارای ۲۴ اصله؟ متأسفانه بعضی‌ها(اکثراً) فکر می‌کنن که قانون رو فقط باید حقوقدان و دانشجوهای حقوق بخونن ولی این تفکر کاملاً غلطه. (فعلاً قصد پرداختن به این موضوع رو ندارم.)

اما مهم ترین نکته که می‌خوام اینجا بهش اشاره کنم اینکه که قانون اساسی اصلاً قانون نیست. (می‌دونم تعجب کردید ولی خوب بحثش خیلی خیلی مفصله و خودش

علوم اثباتی، طب و نجوم یافت. با حمله اعراب رونق گذشته دانشگاه هر چند کاسته شد اما فاتحان نیز به اهمیت آن پی برده و اهتمامی تمام در انتقال علوم به **جهان اسلام** انجام گرفت

پس از آن نیز مراکز علمی دیگری در دوران اسلامی از جمله نظامیه ها شکل گرفت که در علوم استدلالی رونق داشتند. این دوره تا مدت‌ها در ایران ادامه پیدا کرد تا به دوران نوین میرسیم که وضعیتی متفاوت ایجاد شد

با تاسیس دارالفنون می توان گفت آموزش عالی نوین رسماً در ایران آغاز شد

طولی نکشید که مدارس دیگری همچون **مدرسه نظام** و **مدرسه علوم سیاسی** شکل گرفتند که تخصصی در علوم خاص ایجاد میکردند و اساتید خارجی به تدریس در آنان می پرداختند اما دانشگاه و فکر ایجاد آن توسط **اسماعیل سنگ** در سال ۱۳۰۵ در مجلس مطرح می شود. ۵ سال بعد عبدالحسین تیمورتاش، عیسی صدیق را مامور کرد که به آمریکا سفر نموده و با مطالعه تاسیسات علمی جهان مدرن طرحی به دولت ارائه دهد. طرح ذکر شده پس از ارائه به مجلس مورد تصویب قرار گرفت و به موجب آن با ادغام مدرسه علوم سیاسی، مدرسه طب و مدرسه عالی حقوق و سایر

یک مطلب اختصاصی می‌طلبه). قانون اساسی یه چیزی قبل قانونه، یه اساسه، یه پایست. تا وقتی پایه نباشه خبری از میز و صندلی نیست. قوانین روی این پایه نصب می شوند یعنی حتی داشتن اون تفکر غلطی که بهش اشاره کردم دلیلی برای نخوندن قانون اساسی نیست، چون اصلاً قانون نیست.

به صورت کلی بخوام بهتون بگم خوندن قانون اساسی هر کشوری برای مردم اون کشور لازمه، شدیدا هم لازمه. شما تازه بعد از خوندن و فهمیدن قانون اساسیه که می‌تونید تو اون اتاق دنبال وسایل بگردید. چون چراغ رو روشن کردید.

پس چی شد؟ باید بدونیم کجای زمین داریم بازی می‌کنیم، نقشمون چیه، چی کار باید بکنیم و... وگرنه صرفاً داریم یه زندگی عادی و معمولی رو انجام میدیم، صرفاً برای ارضای غریزه‌های خودمون. حالا دیگه همتون لقب دانشجو دارید و نقشتون مشخص شده. وقت اینکه شروع کنید به شناخت تکالیف و حقوقتون.

در سال ۱۳۹۳ منشور حقوق دانشجویی توسط وزارت علوم تدوین و منتشر شد که الآن هم با یه جستجوی ساده تو اینترنت می‌تونید پیدااش کنید. **(برای اینکه کارتون راحت تر شه ما تو کانالمون هم قرارش میدیم).**

در صورتی که دانشجویهای آگاه به

مدارس تخصصی آن دوران دانشگاه تهران به عنوان اولین دانشگاه نوین ایران تشکیل شد در ادامه دانشگاه های دیگری با الگو برداری از دانشگاه های غربی شکل گرفت و توسعه آنها نیز با همکاری با این کشورها رخ داد

پس از اسنقلاب نیز دانشگاه دوران پر فراز و نشیبی طی کرد و بعد جنگ چندین دانشگاه دیگر به صورت غیر انتفاعی تاسیس شدند و بطور کلی تعداد زیادی دانشگاه در سراسر کشور شکل گرفت

● بررسی و مقایسه

نظامیه ها نیز در علوم استدلالی کوشش میکردند . در این مدارس آرای اشاعره مورد قبول واقع شده بود و به دانش آموزان تدریس می شد. این مدارس بیشتر جنبه آموزش های علوم دینی داشتند. چیزی که در این دوران مشاهده میشود این است که افراد علاقمند میتوانستند نزد اساتید علوم مختلف رفته و آن را فرا گیرند و لزوماً به سازمان های آموزشی برای یادگیری مراجعه نمیکردند

با تاسیس دانشگاه دوران جدیدی برای علم آموزی ایرانیان آغاز شد. این سیستم که به تقلید از دانشگاه های فرانسوی تاسیس شده بود بیشتر تکیه بر تربیت مهندس داشته و بنوعی

حقوق خودشون داشته باشیم می‌تونیم مطالبه‌گرهای بهتری باشیم و در برابر بسیاری از مواردی که حقوقمون در حال پایمال شدنه سکوت نکنیم و اعتراض کنیم

خوندن منشور وقتی ارزشمندنه که توسط خودتون انجام بشه؛ تفکر درباره ی منشور وقتی ارزشمندنه که توسط خودتون انجام بشه؛ تحلیل منشور وقتی ارزشمندنه که توسط خودتون انجام بشه.

اما شاید مهم ترین بحث این باشه که از کجا شروع کنیم؟ الآن حتماً این به ذهنتون رسیده که کلی کار بزرگ و سخت باید انجام بدید. اما نه! مطالبه گری می‌تونه از درخواست شما مبنی بر سفت تر کردن نیروهای بوفه شروع شه(حالا تا چند روز دیگه بهتر متوجه این قضیه می‌شید). یا در یک درجه بالاتر اعتراض به استاد به خاطر دیراومدنش. خلاصه که مطالبه‌گری های کوچیک رو دست کم نگیرید. قطره قطره جمع گردد و این صحبتا!

نحوه‌ی مطالبه‌گری هم بحث بسیار طولانی‌ایه که اونم بخوام راجع بهش صحبت کنم قطعاً حوصلتون سر میره. پس فعلاً بسه!

با تاسیس دانشگاه دوران جدیدی برای علم آموزی ایرانیان آغاز شد. این سیستم که به تقلید از دانشگاه های فرانسوی تاسیس شده بود بیشتر تکیه بر تربیت مهندس داشته و بنوعی تعداد زیادی از دانش آموزان به این سو هدایت شدند و نتیجه آن هم امروز مشاهده می کنیم. در ابتدا شاید امری درست بنظر میرسید اما با گذر رمان بازار کاری اشباع شده و اکنون تعداد زیادی فارغ التحصیل در رشته های مهندسی داریم.حال آنکه در زمینه های مربوطه برتری خاصی نسبت به کشورهای غربی نداریم. اکنون نیز رشته های پزشکی تمایل بیشتری پیدا کرده اند. تعداد زیادی از افراد بدون شغل مهندسی به جوانان توصیه میکنند که حتما وارد رشته های پزشکی شوند. حال آنکه با پیشرفت بهداشت در سطح جهانی و این حجم از متقاضی در سطح کشور برای این رشته ها آیا این مقدار ارائه دهنده خدمات پزشکی لازم دارد؟ بهتر نیست بجای آن تلاش در بهبود تغذیه و بهداشت داشته باشیم تا پزشکانی بی شمار برای درمان بیماری های ناشی از کاستی در بخش بهداشت و تغذیه؟

دانشگاه نوین در این زمینه نسبت به نمونه پیشین خود ضعیف عمل نموده. آموزش عالی نوین جایگاهی برای تربیت افرادی است که تلاش در یادگیری حرفه مورد علاقه خود دارند و باید دانسته های آنان به گونه ای باشد که در آینده تضمینی برای وجود کار برای آنان باشد. هر جامعه ای نیازمند جامعه شناس ، تاریخدان و جانور شناس و موارد بسیار دیگری است که متاسفانه مورد بی مهری تمام از جانب آموزش عالی قرار گرفته اند. عاقبت این امر هم مشاهده معضلاتی این چنین در جامعه هستیم که قطعاً مقصر آن خود شخص دانشجو نیست